



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۷/۱۲/۲۶

دستگیر روشنیالی

نسل جوان به طرز فکری نوین ضرورت دارد

نسل جوان که نسل آینده ساز هم است به خاطر ایجاد یک آینده بهتر و متفاوت از امروز به تفکر و آگاهی نوین ضرورت دارد. تفکر و آگاهی مستقل از افسانه ها، تعصبات، ایدئولوژیها، تفکر و آگاهی همیشه در حرکت و همیشه در تغییر، تفکر و آگاهی که قدرت شناخت، قدرت تحلیل، قدرت ریشه یابی مشکلات جامعه را داشته باشد. تفکری و آگاهی که به خواست انسان و زمان جواب داده بتواند. نسل جوان نه باید وقت خود را با "افسانه ها" "تیوری توطیه" "طاق های تفکر جهان" "کمپته سه صد نفری" ... که گویا حوادث جهان را سوچ میکنند ضایع کند. این همان تفکر دست غیب و یا دست ناپیدا است که جهان را میچرخاند. در جهان ما انگشت های وجود ندارند که جهان را بگردانند. در جهان ما نیروی وجود ندارد که سناریو حوادث جهان را بنویسد و آنها را قومانده کنند. حوادث جهان فلم سینمایی نیست که وقوع آن از قبل پلان شده باشد. حوادث و واقعیت های جهان در هیچ تفکری و در هیچ ایدئولوژی چوکات بندی نمیشوند. این تیوریهها فقط به درد جوامعی میخورد که خود تصمیم گرفته نمی توانند و این تیوریهها جواب ذهن های ساده و فکرهای تنبل می باشند که نمی توانند و یا هم نمی خواهند مستقلانه فکر کنند و یا آنچه که در اطراف شان میگذرد درک کنند. این تنبل های فکری همیشه گناه را به گردن دیگران می اندازند و این نوع برخورد با حوادث کوچکترین مشکل را حل کرده نمی تواند.

حوادث اجتماعی - سیاسی نه با فرمان شکل میگیرند، نه با فرمان حرکت میکند و نه با فرمان حل میشوند. در شکل گیری این حوادث به جای یک عامل ده ها عامل، تأثیرات، روابط متقابل، تضاد ها، تفاوت ها، منافع، رقابت ها، همکاری ها و نتایج ... سهم دارند.

بغرنجی و پپیچیدگی یک موقعیت و یک پدیده اجتماعی - سیاسی به این معنی است که عوامل زیادی در تشکیل و عملکرد آن دخیل استند. جنگ افغانستان بخاطر یک جنگ طولانی، بغرنج و پیچیده است که در آن عواملی زیادی داخلی، منطقوی و جهانی عمل میکنند

بدون شک عوامل خارجی نقش و تاثیر خود دارند و برخی اوقات این عوامل در جوامع که بحرانها و مشکلات خود را حل کرده نمیتوانند، مثل افغانستان نقش بسیار نیرومند دارد. هم چنان در جهان ما توطیه ها، مداخلات، صادر کردن مشکلات، صادر کردن ایدئولوژیها، صادر کردن ترور، تعرض کردن ها ... وجود دارند و این همه زندگی یک جامعه را متاثر میسازد و هم چنان این عوامل میخوانند رویداد ها را به نفع خود بگردانند. اما هرگز عوامل خارجی به نیروی های محرکه و سوق دهنده یک جامعه تبدیل شده نمی توانند.

یک جامعه فعال، یک جامعه تغییر پذیر و یک جامعه بخود متکی به هیچ قدرتی اجازه نمی دهد که در امور داخلی آن مداخله کند.

عوامل اساسی و تعیین کننده مشکلات موجود جامعه در ساختارهای سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی... و ذهنیت جمعی خود جامعه وجود دارند. عوامل بدبختی و عقب ماندگی افغانستان به جای سیاست ها، پلانها و عملکرد های "خدایان افسانوی یونان قدیم" در درجه اول و بطور اساسی در همین ساختارها باید جستجو شوند. آنچه که به حیث عوامل اصلی بدبختی و عقب مانده گی در افغانستان عمل میکنند فقر فرهنگی و فقر اندیشه است. اسطوره ها، دگم ها و افسانه ها در شناخت مسایل و به خصوص مسایل اجتماعی - سیاسی کمک کرده نمی توانند و نه هم برای حل مشکلات موجود معجزه یی صورت میگیرد. چنین کتابی هم وجود ندارد تا در غلبه بر مشکلات موجود رهنمای عمل باشد. نسل جوان ما به وسیله اندیشه مستقل و تفکر خلاق در چشم واقعیت ها در آیند و آنها را تشخیص و تسخیر کنند. نسل جوان باید بدانند که برای مشکلات سیاسی - اجتماعی حل دایمی و قطعی پیدا نمیشود. مشکلات سیاسی - اجتماعی همیشه در حرکت و همیشه در تغییر استند و سوال های نو مطرح میکنند. حرکت و تغییر هر دو با حل دایمی و قطعی بیگانه اند.

قدرت های بزرگ امریکا، روسیه، انگلستان... همان "خدایان افسانوی یونان قدیم" نیستند که یکی زلزله، دیگری توفان، دیگری امراض و دیگری جنگها را قومانده کنند... امریکا، روسیه، انگلس... توانایی قومانده کردن حوادث

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الریلو مخکې په خیر و لولئ

جهان را ندارند. اینها نه تنها در حل مشکلات و منازعات موجود جهان ناتوانند، بلکه از حل مشکلات و دشواریهای داخلی خود هم عاجز استند.

بدبختانه در نتیجه ای حاکمیت طولانی فرهنگ تغییر ناپذیر، تحمیلی، دیکته کننده ای خوب و بد و انحصارگر خرد جمعی ما معیوب شده است، استقلال اندیشه را از دست داده ایم، فکر کردن و اندیشیدن نشویش تعبیر میگردد و ما با بحران عمیق عقلی و علمی مواجه هستیم. ما نه تنها با شناخت، تحلیل کردن و ریشه یابی حوادث مشکل داریم ، بلکه ما با ارزش های که از فطرت انسانی ما ناشی میشوند و با ارزش های که با حاکمیت آن بدون شک بالای جنجال ها و کشمکش های مذهبی و قومی غلبه میکنیم اعلان جنگ داده ایم و این ارزشها، ارزش های انسانی اند، ارزش های که به هر یک ما تعلق دارد. ارزش هایکه به هر هزاره، به هر ازبیک، به هر تاجیک، به هر پشتون، به هر سنی، به هر شعیه ، به هر هندو... تعلق دارد. ارزش های که از کرامت و عزت هر یک ما پاسداری میکند، ارزش های که حق و آزادی هر یک ما را تامین و تضمین میکند و در حاکمیت همین ارزش ها است که هزارها نوع اختلاف فکری، نظریاتی، سیاسی و تفاوت های اجتماعی، مذهبی، فرهنگی... با داشتن حقوق برابر می توانند در همزیستی، همکاری و رقابت با هم زندگی کنند.

پایان